

Research paper
1(2), 105-127, Spring and Summer, 2023

Semantics of the Word “Doa” in the Holy Quran from Quranic Linguistics Perspective

Seyed Abolghasem Fazaeli^{1*}, Hadi Zeini Malekabadi²

Article Info

Article type:

Research article

Article history:

Received: 22 April 2023

Accepted: 6 July 2023

Keywords:

semantics,
Doa,
Quranic Linguistics,
companion,
successor

ABSTRACT

The status of prayer in different religions, especially in the religion of Islam, is not covered by anyone, and its word and its derivatives have been used 182 times in the verses of the Holy Quran. Various works with different approaches in this field show the importance of this issue to Muslim scholars but so far it has not been addressed in a semantic approach. This study intends to explain the concept of prayer and extract its semantic components from the Quran with a semantic approach. Therefore, the purpose of this study is to understand the root meaning of (prayer) in the Qur'an. After reviewing the verses including the root of the prayer and its derivatives, the prayer companions are further divided into three categories. Interfaith Companions: Coming, Hearing, Accepting, Believing, Guiding, Putting, Surrender, Conflicting Companions: Shirk, Disbelief, Misguidance and Loss and Complementary Companions: Allah, the Rabbit, the Apostle and the Human. By examining the companion vocabulary of prayer, the root substitutes for prayer and its derivatives are as follows: speech, Security, Science, Guidance, Compliance, Come, Disbelief and Providence. Finally, in order to reach the semantic components of the word prayer, we will examine the vocabulary companions of the word prayer and the companions of the word prayer, and the semantic components will be: speech, faith, science, guidance, coming, disbelief, grace, Wanting, hearing, sinking, adherence, truthfulness, Wisdom, scripture and endurance.

Cite this article: Fazaeli, S. A. and Hadi Zeini Malekabadi. (2023). “Semantics of the Word “Doa” in the Holy Quran from Quranic Linguistics Perspective”. *Journal of Linguistic Studies: Theory and Practice*, 1 (2), 105-127



© The Author(s).

Publisher: University of Kurdistan.

DOI: 10.22034/JLS.2023.62825

1. PhD student of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. (Corresponding Author) E-mail: safazaeli@ut.ac.ir
2. Assistant Professor, Faculty of Theology and Islamic Studies, Sistan and Baluchestan University, Zahedan, Iran. E-mail: zeini@theo.usb.ac.ir

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ وصول:

۲ اردیبهشت ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش:

۱۵ تیر ۱۴۰۲

واژه‌های کلیدی:

معناشناسی،

دعاء،

زبان‌شناسی قرآنی،

همنشین،

جانشین

چکیده

جایگاه دعا در ادیان مختلف به خصوص در دین مبین اسلام بر کسی پوشیده نیست، واژه دعا و مشتقاتش ۱۸۲ بار در آیات قرآن کریم به کار رفته است. آثار گوناگون دعا با رویکردهای مختلف در این زمینه نشان دهنده اهمیت این مسأله نزد دانشمندان مسلمان است. با این وجود هنوز ادراک دقیق و جامعی از دعا به عنوان یک مفهوم که در فرایند عملی آن نیز اثرگذار است، تبیین نشده است؛ این بدان دلیل است که تاکنون واژه دعا و مشتقاتش در قرآن با رویکرد معناشناسی بررسی نشده است. این نوشتار قصد دارد با دانش معناشناسی به روش تحلیلی توصیفی به تبیین واژه دعا در قرآن بپردازد و مؤلفه‌های معنایی آن را به کمک همنشین‌ها و جانشین‌ها و اضدادش در قرآن استخراج کند. نتایج نشان داد که همنشین‌های اشتدادی، مثل آتی، سمع، اجاب و استجاب، آمن، هدی، جعل، سلم و قوم؛ همنشین‌های تقابلی: شرک، کفر، ضلال و ضرر و همنشین‌های مکملی: الله، رب، رسول و انسان. یافته‌ها، همچنین، نشان داد که با بررسی همنشین‌های این واژگان، جانشین‌های واژه دعا عبارتند از «قول، امنیت، علم، تبعیت، هدایت، اتیان، کفر و مشیت». در پایان از بررسی همنشین‌ها و جانشین‌ها مؤلفه‌های معنایی همچون «قول، امنیت، علم، هدایت، کفر، فضیلت، تبعیت، صدق، حکمت و کتابت» بدست آمد. بنابراین با تحول در معنا بر اساس تبیین روابط همنشینی و جانشینی، معنای دقیقی از دعا ارائه می‌شود که به بسیاری از ابهامات نظری و عملی در حوزه دعا پاسخ می‌دهد.

استناد: فضائلی، سید ابوالقاسم و هادی زینی ملک‌آبادی (۱۴۰۲). «معناشناسی واژه «دعا» در قرآن کریم از منظر زبان‌شناسی

قرآنی». پژوهش‌های زبان‌شناسی: نظریه و کاربرد، ۱ (۲)، ۱۰۵-۱۲۷.

ناشر: دانشگاه کردستان



حق مؤلف: نویسندگان

DOI: 10.22034/jls.2023.62825

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

E-mail: safazaeli@ut.ac.ir

۲. استادیار دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه سیستان و بلوچستان، سیستان و بلوچستان، ایران.

E-mail: zeini@theo.usb.ac.ir

۱. مقدمه

نگرانی‌های حاصل از تخلف‌ها، پیمان شکنی‌ها، شکست‌ها و ناکامی‌ها، ذهن انسان عصر ما را در زیر بار سنگین اضطراب و نگرانی قرار داده است؛ لذا برای برون رفت از چالش‌های متعدد مادی و معنوی در جوامع بشری اصل دعاء بسیار مؤثر است بلکه تکیه بر دعاء، روح امید را در کالبد انسان می‌دمد و او را به پاکی و پرهیزکاری دعوت می‌کند و اضطراب را می‌کاهد. بعضاً شاهدیم جماعت دین ستیزان به اصل دعاء حمله می‌کنند و دعاء را دعوت به تنبلی و مایهٔ تخدیر می‌نامند! حتی یکی از عوامل مهمّ خشونت گروه‌های تکفیری، اشتباه در فهم معنی دعاء در قرآن مجید بوده است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴: ۷۵-۱۰۹). بنابراین، ادراک درست نسبت به دعا نیازمند بررسی دقیق و علمی است؛ چنین بررسی باید با متن قرآن سازگار باشد. معناشناسی از آن رو که به مطالعهٔ علمی معنا می‌پردازد مطالعات متون را روشمند می‌سازد و سبب می‌شود که معنا از درون متن برآید و دستخوش تفسیر به رأی عامدانه و یا برداشت‌های سطحی نشود. شایان ذکر است که پژوهش حاضر قصد دارد تا نشان دهد که چگونه واژهٔ دعا در کنار واژگان هم‌نشین و جانشین بر اساس رویکرد معناشناسی می‌تواند سبب تحول معنایی شود. بنابراین، پژوهش حاضر با هدف بررسی واژهٔ دعا در تمام آیات قرآن به شیوهٔ تحلیلی-توصیفی از منظر زبان‌شناسی قرآنی انجام گرفته است.

۲. پیشینهٔ پژوهش و مطالعات مرتبط

در حوزه روش به کاررفته در این مقاله، آثار زیادی نوشته شده است؛ به گونه‌ای که اعتبار روش به کار رفته اطمینان آور است، اما در مورد موضوع مورد بحث اثر خاصی نوشته نشده است. در ادامه، به معرفی برخی از آثار مرتبط با موضوع پیش‌رو خواهیم پرداخت.

حسینی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «بررسی معناشناسی دعا در قرآن کریم در سه گام» هر چند در یکی از گام‌ها در کنار بررسی لغوی و وضعی دعا، و نیز توجه به فرهنگ قومی که تلاش شده فضای تاریخی آیات ترسیم شود، بحث معناشناسی بر پایه جانشینی و هم‌نشینی مطرح شود، اما به سبب گستردگی عنوان هیچ کدام از مباحث به درستی واکاوی نشده است، بحث مربوط به روابط هم‌نشینی و جانشینی با طرح مختصر بدون تتبع رها شده است؛ بنابراین دعا بر اساس روش معناشناسی ساختارگرا و مبتنی بر روابط هم‌نشینی و جانشینی مورد

بررسی قرار نگرفته است. بنابراین، در این مقاله به‌طور خاص معنای دعا در قرآن مورد واکاوی قرار گرفته است.

محسن پور و حسینی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «نقش دعاء در تربیت انسان از دیدگاه قرآن و کلام معصومین» به بررسی تأثیر دعاء و نیایش در زندگی انسان از نظر آیات و روایات پرداخته است؛ این مقاله صرفاً به نقش آفرینی دعا در تربیت اشاره نمود است؛ اما در مورد این که این ابزار کارآمد، ماهیتاً چیست و در چه فرایندی سامان می‌یابد، چیزی نگفته است.

پرچم و ابوترابیان (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «توسعه معنایی دعا در قرآن» با روش معنی‌شناسی توصیفی واژگان مرتبط با واژه دعا را از قرآن استخراج نموده و از این طریق مفهوم دعا را در واژگان دیگر بسط داده است. در این مقاله بخشی از روابط جانشینی دعا در قرآن، به صورت گزینشی آمده است و تتبع آن ناقص است.

۳. چارچوب نظری پژوهش

آن چه در معنی‌شناسی، معنا نامیده می‌شود، مصداقی است که در جهان خارج وجود دارد و یا مفهومی است که برحسب مصداق‌ها، به صورت نوعی تصور در ذهن سخن‌گویان زبان انباشته شده است (صفوی، ۱۳۹۵: ۲۰). نظریه‌های معناشناسی، متن یا کلام را مجموعه‌ای معنادار می‌دانند که می‌توان به مطالعه و درک آن پرداخت. راه پیشنهادی معناشناسی برای دستیابی به چنین مجموعه‌های معناداری، در نظر گرفتن ابعاد یا سطوح گوناگون برای متن است (شعیری، ۱۳۸۸: ۵۲). معناشناسی در تجزیه و تحلیل کلام، متن را مجموعه‌ای منسجم و معنادار می‌داند و به مطالعه و بررسی تمام وقایعی که در ژرف ساخت نشانه‌های فهم معنا و یا در بین آن‌ها وجود دارد می‌پردازد. بنابراین تحلیل معناشناختی بر این اصل استوار است که متن، محل شکل‌گیری فرآیند معنایی است. به زبان دیگر، معناشناسی مطالعه علمی معناست و به توصیف پدیده‌های زبانی در چارچوب یک نظام بدون هر پیش‌انگاری می‌پردازد (صفوی، ۱۳۷۸: ۴۰).

میان عناصر زبانی، دو رابطه مهم وجود دارد؛ یک، «همنشینی» که رابطه‌ای است میان عناصر تشکیل‌دهنده توالی‌ها وجود دارد و امکانات ترکیب را معرفی می‌کند، و دوم «جانشینی» که رابطه‌ای است که عناصر جایگزین یکدیگر را معرفی می‌کند. بنابراین، یک عبارت با گزینش

اجزای آن و سپس ترکیب آن‌ها شکل می‌گیرد (کالر، ۱۳۷۹: ۵۲). رابطه همنشینی بیان‌کننده رابطه الفاظی است که در یک زنجیره کلامی در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند (بی‌یروش، ۱۳۶۳: ۳۰). این رابطه همان معناشناسی در سطح جمله است که واژه در ارتباط با واژه‌های هم‌نشین سنجیده می‌شود و طبق این ارتباط، زوایایی از معنای واژه کشف می‌شود. این همنشینی ممکن است به صورت وصف، تمیز، اسناد فاعل و ... باشد. در نظام همنشینی، ارتباط بین عوامل زبانی از نوع ترکیبی یا پیوسته است و هر عامل در کنار عامل دیگر قرار می‌گیرد و سبب تکمیل آن می‌شود (شعیری، ۱۳۸۸: ۱۰۹-۱۱۰). هدف اصلی در همنشینی واژگان به هم پیوستن مفاهیم و تصورات فردی هر واژه است؛ زیرا کلمات و واژگان در قرآن کریم تنها و جدای از یکدیگر به کار نرفته‌اند؛ بلکه در ارتباط نزدیک با یکدیگرند و معنای خود را از مجموع ارتباطی به دست می‌آورند که با یکدیگر دارند (ایزوتسو، ۱۳۶۱: ۶). روابط هم‌نشینی یکی از نشانه‌های زبانی است که به ترکیب کلمات در جمله یا کلام مربوط می‌باشد و به کلماتی که در جوار یک کلمه قرار می‌گیرند، کلمات هم‌نشین آن گفته می‌شود. توجه به واحدهای هم‌نشین موضوع مورد نظر، معنای آن را برای مخاطب بهتر تبیین می‌کند، به ویژه در مواردی که کلمه بیش از یک معنا دارد و یا معنای آن نامشخص و مبهم است (صفوی، ۱۳۷۸، ص ۴۵). رابطه همنشینی یا «رابطه نحوی» رابطه‌ای از نوع ترکیب، میان الفاظی است که در یک زنجیره کلامی در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند (بی‌یروش، ۱۳۷۴: ۷۲). رابطه جانشینی عبارت است از رابطه و نسبت جایگزینی میان زنجیره الفاظ کلامی که می‌توانند جایگزین این الفاظ شوند و در همان سطح، واحد تازه‌ای پدید می‌آورند (صفوی، ۱۳۹۵: ۲۸).

رابطه معنایی-معنایی به سه نوع رابطه اشتدادی، تقابلی و توزیعی تقسیم می‌شود که می‌توان همه روابط معنایی میان واژگان را در معناشناسی ساختگرا در همین سه نوع جای داد. رابطه اشتدادی شامل آن دسته از روابط بین دو واژه است که ضمن داشتن ویژگی مشترک، مانند مؤلفه معنایی مشترک، در مقام تقویت معنای یکدیگر بر می‌آیند. رابطه اشتدادی شامل انواعی از روابط معنایی مانند شمول معنایی و هم‌معنایی می‌شود. رابطه تقابلی رابطه بین دو واژه است که ضمن داشتن مؤلفه مشترک، در مؤلفه‌هایی نیز با هم «تضاد» دارند؛ به‌طور مثال، واژه‌های زن

و مرد در مؤلفه «انسان بودن» اشتراک و در مؤلفه جنسیت باهم تضاد دارند (صفوی، ۱۳۹۵: ۲۸۰). رابطه توزیعی نیز بین کلماتی است که در یک حوزه معنایی، قلمروهای متمایز دارند (سلمان‌نژاد، ۱۳۹۱: ۱۷).

۴. بررسی واژگان هم‌نشین «دعاء»

بر اساس آن چه در مبانی نظری بیان شد، برای پیدا کردن روابط هم‌نشینی در قرآن کریم باید همان روابط ساختاری (نحوی) آیات شامل مفهوم را بررسی کرد.

۴-۱ هم‌نشین‌های اشدادی واژه دعاء

۴-۱-۱ بررسی واژگان هم‌نشین با واژه «آتی»

جدول ۱. بررسی فعل «آتی» در قرآن

ردیف	سوره	آیه	هم‌نشین
۱	بقره	۳۸	هُدًى، تَبِعَ هُدًى
۲	بقره	۵۳	الْكَتَابَ وَالْفِرْقَانَ، تَهْتَدُونَ
۳	بقره	۹۳	أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ، خُذُوا، بِقُوَّةٍ، أَسْمِعُوا، قَالُوا سَمِعْنَا، عَصَيْنَا، يَا مُرْكَم بِهِ إِيْمَنُكُمْ، مُؤْمِنِينَ
۴	بقره	۱۴۵	الْكَتَابَ، بِكُلِّ آيَةٍ، مَا تَبِعُوا قِبَلَتَكَ
۵	مائده	۱۲	أَقَمْتُمْ الصَّلَاةَ، الزَّكَاةَ، وَعَامَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَّرْتُمُوهُمْ، أَكْفَرْنَا، أَدْخَلْنَاكُمْ، كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ
۶	مائده	۴۸	لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلْنَاكُمْ لِيَلُوَكُمْ، فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ
۷	مائده	۵۲	فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ، يَسْرِعُونَ فِيهِمْ؛ يَقُولُونَ نَحْشَىٰ أَنْ تُصِيبَنَا دَائِرَةٌ؛ بِالْفَتْحِ مَرٍ مِّنْ عِنْدِهِ، فَيَصْبَحُوا عَلَىٰ مَا أَسْرُوا
۸	انعام	۴	مِّنْ آيَةٍ مِّنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ، مُعْرِضِينَ
۹	انعام	۱۵۸	يَنْظُرُونَ، الْمَلَائِكَةَ، آيَاتٍ؛ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا
۱۰	اعراف	۱۷۵	أَتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ، آيَاتِنَا، فَانْسَلَخَ، فَاتَّبَعَهُ، فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ
۱	اعراف	۱۹۰	صَلْحًا، جَعَلَا لَهُ شُرَكَاءَ، فَتَعَلَىٰ اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ
۲	يونس	۸۸	فَرَعُونَ وَمَلَأَهُ، زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا، لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِكَ، أَطْمَسَ عَلَىٰ أَمْوَالِهِمْ، أَشَدُّدٌ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ، فَلَا يُؤْمِنُوا، بِرُؤُا الْعَذَابِ الْأَلِيمِ
۳	هود	۸	أَحْرَبْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ، بِحَبْسِهِ، لَيْسَ مَصْرُوفًا، وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ
۴	رعد	۳۶	الْكَتَابَ، بِفَرْحُونَ بِمَا نَزَلَ إِلَيْكَ، مَنِ الْأَحْزَابِ مَنِ يَنْكُرُ بَعْضَهُ، إِنَّمَا أَمَرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ، لَا أَشْرِكُ بِهِ، إِلَيْهِ أَدْعُوا، إِلَيْهِمُنَاب

بِالْمَلَائِكَةِ الصَّادِقِينَ	۷	حجر	۵
بِالْحَقِّ، الصَّادِقُونَ	۶۴	حجر	۶
عَبُدُوا اللَّهَ، الْكَتُوبَ، جَعَلَنِي نَبِيًّا	۳۰	مریم	۷
رَاءَ، أَمْ كُنْتُمْ تَأْتِسْتُمْ، مَعَهَا بِقَبْسٍ، أَجِدُ عَلَى النَّارِ هُدًى، نودی	۱۰	طه	۸
فَقُولَا، فَإِنْ سَلْنَا، لَا تُعَذِّبُهُمْ، فَذَرْنَاكَ بَابِيَةَ مَنْ رَبِّكَ، أَلَسَلَّمْ عَلَى مَنْ	۴۷	طه	۹
أَتَّبِعَ الْهُدَى			
أَهْبِطًا مِنْهَا جَمِيعًا، مَتَى هُدًى، أَتَّبِعْ هَذَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْفَى	۱۲۳	طه	۱۰
مَنْ ذَكَرَ مِنْ رَبِّهِمْ مُحَدَّثٍ، أَسَمِعُوهُ، ثُمَّ يَلْعَبُونَ	۲	انبیاء	۱۱
بِعَنَتِهِ، فَتَذَبُّهُمْ، لَا يَسْتَطِيعُونَ رَدَّهَا، يَنْظُرُونَ	۴۰	انبیاء	۱۲
فَأَسْتَجِيبْنَا لَهُ، فَكَتَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضُرِّ، أَهْلُهُ وَمَثَلُهُمْ، رَحْمَةً مَنْ عِنْدَنَا	۸۴	انبیاء	۱۳
وَذَكَرَى، لِلْعَبِيدِينَ			
أَتَّبِعَ الْحَقِّ أَهْوَاءَهُمْ، لَفَسَدَتِ السَّمُوتُ وَالْأَرْضُ، بِذِكْرِهِمْ، ذَكَرَهُمْ	۷۱	مومنون	۱۴
مُعْرِضُونَ			
بِالْحَقِّ، لَكَذِبُونَ	۹۰	مومنون	۱۵
عَلِمَا، قَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ، فَضَلَّنَا عَلَى كَثِيرٍ مِنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ	۱۵	نمل	۱۶
جَعَلَ اللَّهُ، بِضِيَاءٍ، بَلَيْلٍ تَسْكُونَ فِيهِ، تَسْمَعُونَ، تُبْصِرُونَ	۷۱، ۷۲	قصص	۱۷
أَنْزَلْنَا، الْكَتُوبَ، يُؤْمِنُونَ بِهِ، يَجْحَدُ بَيْنَنَا إِلَّا الْكَافِرُونَ	۴۷	عنكبوت	۱۸
مَنْ رَسُولٍ، يَسْتَهْزِءُونَ	۳۰	یس	۱۹
رُسُلَهُمْ، بِالْبَيِّنَاتِ، فَكَفَرُوا، فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ، قَوِي شَدِيدُ الْعِقَابِ	۲۲	غافر	۲۰
أَسْتَوَى، فَقَالَ، طَوْعًا أَوْ كَرْهًا	۱۱	فصلت	۲۱
رُسُلَهُمْ، بِالْبَيِّنَاتِ، فَقَالُوا، يَهْدُونَنَا، فَكَفَرُوا، وَأَتَوَلَّوْا، وَأَسْتَعْنَى اللَّهُ، اللَّهُ غَنَى	۶	تغابن	۲۲
خَمِيدٍ			

فعل آتی تنها به صورت فعلی و به تعداد ۱۴ مرتبه در کنار فعل دعاء آمده است. اکثر قریب به اتفاق آیات، خطابی و پیرامون مسئله پرستش است. همراهی فعل آتی با فعل دعاء به صورت تقدیم و تأخیر جالب توجه است. به این صورت که هر اتیان الهی، دعوتی و هر دعوت غیر الهی، اتیانی به دنبال دارد. حضور ریشه‌ها و تعابیری از قبیل رویت، اطمینان، صادق، ایمان، استطاعت، عبادت، شرک، خالقیت، علم، ظلم و رسول در کنار دعو و آتی، نشان دهنده دعوت به بینش و تعقل مستدل در پذیرش دعوت است. اتیان در حوزه‌های مختلف در این آیات به کار برده شده است: اتیان سوره، اتیان طیر، اتیان عذاب، اتیان ساعه، اتیان کتاب، اتیان هدایت، اتیان سلطان، اتیان علم، اتیان رسول و اتیان اجر.

قَالَتْ رُسُلُهُمْ أَفَى اللَّهِ شَنْكَ فَاطِرِ السَّمُوتِ وَالْأَرْضِ يَدْعُوكُمْ لِيَغْفِرَ لَكُمْ مَنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُوَخِّرْكُمْ

إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى قَالُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا تُرِيدُونَ أَنْ تَصُدُّونَا عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَأْتُونَا بِسُلْطَنٍ مُّبِينٍ (سوره ابراهیم، ۱۰)

همنشین‌های واژه آتی شامل، هدی، قال، امن، تبع هستند.

۴-۱-۲ بررسی واژگان هم‌نشین با واژه «سمع»

جدول ۲. بررسی واژه «سمع» در قرآن

هم‌نشین	آیه	سوره	مکی/مدنی	ردیف
حُدُوا، ءَاتَيْنَاكُمْ، قَالُوا، عَصَيْنَا أَشْرَبُوا، يَكْفُرْ هَمْ، يَا مُرْكَم! إِيْمَانِكُمْ	۹۳	بقره	مدنی	۱
ءَامِنُوا، قُولُوا، لِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ	۱۰۴	بقره	مدنی	۲
ءَامِنَ، الرَّسُولَ، أَنْزَلَ، قَالُوا، أَطَعْنَا، عَفَرَ انْكَ	۲۸۵	بقره	مدنی	۳
قَوْلَ، سَنَكْتُبُ، حَقِّ	۱۸۱	آل عمران	مدنی	۴
لَتُنْبَلُوْنَ، أَوْتُوا، أَشْرَكَوْا، تَصْبِرُوا، تَتَّقُوا	۱۸۶	آل عمران	مدنی	۵
يُنَادِي، لِلَّيْمِينَ، فَأَعْفَرَ، كَفَرَ	۱۹۳	آل عمران	مدنی	۶
يَقُولُونَ، عَصَيْنَا، أَنْظَرْنَا، أَقَوْمَ، يَوْمَئِذٍ	۴۶	نساء	مدنی	۷
نَزَلَ، ءَايَاتٍ، يَكْفُرْ، يَسْتَهْزِءُ، الْعُدُوْا، الْمُنْفِقِينَ، الْكٰفِرِينَ	۱۴۰	نساء	مدنی	۸
أَنْزَلَ، الرَّسُولَ، نَزَّيَ، عَزَفُوا الْحَقَّ، يَقُولُونَ، فَكَانَتْ بَنَاتُ الشَّاهِدِينَ	۸۳	مائده	مدنی	۹
يَسْتَجِيبُ، يَبْعَثُهُمْ	۳۶	انعام	مکی	۱۰
قُلْ، أَرَأَيْتُمْ، أَخَذَ، أَبْصَرَكُمْ، حَتَمَ عَلَى قُلُوبِكُمْ، إِلَهَ، يَا أَيَّتُكُم، أَنْظَرَ	۴۶	انعام	مکی	۱۱
يَهْدِ، نَشَاءُ، نَطْبَعُ، قُلُوبَهُمْ	۱۰۰	اعراف	مکی	۱۲
قُلُوبَ لَا يَفْقَهُونَ، أَعْيُنَ لَا يَبْصُرُونَ، ءَاذَانَ لَا يَسْمَعُونَ، كَالْأَنْعَامِ، أَصْلًا، الْعُغْلُونَ	۱۷۹	اعراف	مکی	۱۳
عَلِمَ، تَوَلَّوْا، مُعْرِضُونَ	۲۳	انفال	مدنی	۱۴
جَعَلَ، لِنَسْتَكْفُرُوا، مُبْصِرًا	۶۷	يونس	مکی	۱۵
مُعْجَزِينَ، أَوْلِيَاءَ، يَضْعَفُ، يَسْتَطِيعُونَ، يَبْصُرُونَ	۲۰	هود	مکی	۱۶
أَنْزَلَ، فَأَحْيَا	۶۵	نحل	مکی	۱۷
تَعْلَمُونَ، جَعَلَ، الْأَبْصَرَ، الْآفِقَةَ، تَشْكُرُونَ	۷۸	نحل	مکی	۱۸
قُلْ، أَعْلَمُ، أَبْصَرَ، وَلِي، لَا يَشْرِكُ	۲۶	كهف	مکی	۱۹
قَالَ، تَعْبُدُ، يَبْصِرُ، يَعْنِي	۴۲	مریم	مکی	۲۰

۲۱	مکی	مریم	۶۲	لَعَوْا، سَلَمًا، رَزَقُهُمْ
۲۲	مکی	مریم	۹۸	تُحْسِنُ، رَكْرَأًا
۲۳	مکی	طه	۱۰۸	يَتَّبِعُونَ الدَّاعِيَ، حَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ، هَمْسًا
۲۴	مکی	نمل	۸۱	بِهَدْيِ الْعَمَىٰ عَنِ ضَلَّتْهُمْ، يَوْمَئِذٍ، مُسْلِمُونَ
۲۵	مکی	روم	۲۳	لَأُكَلِّمَنَّ
۲۶	مکی	لقمان	۷	نُنْتَلِي، ءَابَائِنَا، وَأَوْلَىٰ، مُسْتَكْبِرًا، أَذْنِيهِ وَقَرَأَ، فَيَشْرَهُ، بَعْدَ آبٍ
۲۷	مکی	فصلت	۴	فَأَعْرَضَ
۲۸	مکی	فصلت	۲۶	قَالَ، كَفَرُوا، أَلْعَوَا، تُعْلَبُونَ
۲۹	مکی	جاثیه	۲۳	أَفَرَ عَيْتٍ، اتَّخَذَ، أَسْأَلُهُ، عِلْمَ، قَلْبِهِ، جَعَلَ بَصْرَهُ غَشْوَةً، يَهْدِيهِ، تَذَكَّرُونَ
۳۰	مدنی	مجادله	۱	قَوْلٍ، تُجَدِّلُكَ، تَشْتَكِي، تَحَاوُرَ كَمَا، بَصِيرٌ

واژه سمع در دوازده آیه با واژه دعاء هم‌نشین شده است که از این میزان، اکثریت آن را حالت اسمی واژه سمع در بر می‌گیرد. اضافه لفظی (سمیع الدعاء) نشان‌دهنده «انس، الفت و ارتباط» هر چه بیشتر واژه «سمع و دعاء» است. «سمع» واژه‌ای است که پس از دعاء که به معنای «ندا و درخواست» است، می‌آید و انتظاری است که داعی از مدعو دارد. حضور واژه‌های «ندا، صم و قال» به دفعات در آیات مشترک سمع و دعاء دال بر همین موضوع است. وجود واژه‌های «بصر، رأی، نظر و اجاب» نیز به توجه مورد انتظار داعی از مدعو اشاره دارد. هم‌نشین‌های سمع شامل «قول، علم، امن، بصر، هدی، آیه» هستند.

۴-۱-۳ بررسی واژگان هم‌نشین با واژه «جوب»

جدول ۳. بررسی واژه «جوب» در قرآن

ردیف	مکی/مدنی	سوره	آیه	هم‌نشین
1	مدنی	آل عمران	۱۷۲	الرَّسُولِ، أَصَابَهُمْ، أَحْسَنُوا، اتَّقُوا
2	مدنی	آل عمران	۱۹۴ - ۱۹۵	ءَاتَانَا، وَ عَدَّتْنَا، نُحَرِّنَا، يَوْمَ، الْقَلِيمَةَ، تُخَلْفُ، أُضْيَعُ، عَمَّ لِ، سَبِيلِي، الْأَكْفَرِينَ، لَأَدْخُلَنَّاهُمْ
3	مدنی	مائده	۱۰۹	يَوْمَ، يَجْمَعُ، الرُّسُلَ، فَيَقُولُ، عِلْمٌ
4	مدنی	انفال	۹	تَسْتَعِينُونَ، مُمَدِّكُمْ، مُرْدَفِينَ
5	مکی	هود	۱۴	فَاعْلَمُوا، أَنْزَلَ، بَعْلَمَ، إِلَهَ، مُسْلِمُونَ

6	مکی	هود	۶۱	قَالَ، أَعْبُدُوا، إِلَهَ، أَنْشَأَكُمْ، أَسْتَعْمَرَ كَمْ، فَاسْتَغْفِرُوهُ، تَوْبُوا، قَرِيب
7	مکی	یوسف	۳۴	صَرَفَ، كَيِّدَهُنَّ، أَلْسَمِيغَ، أَلْعَلِيمِ
8	مدنی	رعد	۱۸	أَلْحُسْنَى، الْأَرْضِ، لَا فَنَدَرُوا
9	مکی	انبیاء	۷۶	نَادَى، فَجَجَّيْنَهُ، الْكَرْبِ
10	مکی	انبیاء	-۸۳ ۸۴	نَادَى، مَسْنَى، الْأَصْرُ، أَرْحَمَ، فَكَشَفْنَا، آتَيْنَهُ، ذَكَرَى، لَعْبُدِينَ
11	مکی	انبیاء	-۸۷ ۸۸	نَفَّرَ، فَنَادَى، الظُّلْمَتِ، إِلَهَ، سُبْحَانَكَ
12	مکی	انبیاء	-۸۹ ۹۰	نَادَى، تَذَرْنِي، وَهَبْنَا، أَصْلَحْنَا، يَسُرُّ عُونَ، أَلْحَيْرَتِ، دَعُونَنَا، حُشَعِينَ
13	مکی	قصص	-۴۹ ۵۰	قُلْ، فَأَتُوا، أَهْدَى، أَتَّبِعُهُ، الظَّالِمِينَ
14	مکی	قصص	۶۵	يَنَادِيهِمْ، يُقُولُ، الْمُرْسَلِينَ
15	مکی	صافات	۷۵	نَادَيْنَا
16	مکی	شوری	۱۶	يَحَاجُونَ، حُجَّتُهُمْ، عَذَابِ
17	مکی	شوری	۲۶	ءَامَنُوا، عَمَلُوا، الصَّلَاتِ، يَزِيدُهُمُ، الْكُفْرُونَ، عَذَابِ
18	مکی	شوری	۳۸	أَقَامُوا الصَّلَاةَ، أَمَرُهُمْ، رَزَقْنَهُمْ، يَنْفِقُونَ
19	مکی	شوری	۴۷	يَأْتِي، يَوْمَ، مَرَدًّا، مَلَجًا، تَكِيرِ

همراهی دو ریشه خوب و دعو ۱۶ بار در قرآن تکرار شده است. بدین صورت که خوب به دنبال دعو آمده عمل مدعو در مقابل دعای داعی است. خداوند نیز با اسم خاص خود (الله) بیشتر در این آیان مورد خطاب قرار گرفته است. تکرار واژه یوم به معنای قیامت در کنار عبد، ایمان، شرک، کفر، ضلال و عذاب نشان از آن دارد که اجابت به معنای واقعی در روز قیامت است و آن هم مخصوص مومنان است که با عبادت حاصل می‌گردد و چیزی از آن نصیب مشرکین، کفار و گمراهان نمی‌گردد و استجابشان عذابی دردناک است. واژه قول نیز که مطابقت کمی با دعاء دارد، بیشتر در معنای منفی به کار برده شده و در این آیات بسیار تکرار شده است. همنشین‌های خوب شامل ندی، علم، آتی، قول، عمل هستند.

۴-۱-۴. بررسی واژگان همنشین با واژه «ایمان»

جدول ۴. بررسی واژه «ایمان» در قرآن

ردیف	مکی / مدنی	سوره	آیه	همنشین
۱	مدنی	بقره	۲۶	فَيَعْلَمُونَ، الْحَقُّ، كَفَرُوا، يَضِلُّ، يَهْدِي، الْفَاسِقِينَ
۲	مدنی	بقره	۶۲	الْيَوْمَ الْآخِرِ، عَمَلٌ صَالِحًا، خَوْفٌ، يَحْزَنُونَ
۳	مدنی	بقره	۹۱	قِيلَ، أَنْزَلَ، يَكْفُرُونَ، الْحَقُّ مُصَدِّقًا
۴	مدنی	بقره	۱۰۸	تُرِيدُونَ، تَسْأَلُوا، رَسُولَكُمْ، يَتَّبِعُونَ، ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ
۵	مدنی	بقره	۱۷۲	طَيِّبَاتٍ، أَشْكُرُوا، تَعْبُدُونَ
۶	مدنی	بقره	۲۱۳	أَوْ تُوْهُ، هَدَى، اِخْتَلَفُوا، الْحَقُّ، يَهْدِي، يَشَاءُ، صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ
۷	مدنی	بقره	۲۸۵	الرَّسُولُ، أَنْزَلَ، رُسُلَهُ، قَالُوا، سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا، غُفْرَانَكَ
۸	مدنی	آل عمران	۱۶	يُقُولُونَ، فَأَغْفِرْ، قَنَا عَذَابَ النَّارِ
۹	مدنی	آل عمران	۶۸	اتَّبِعُوهُ، وَلى
۱۰	مدنی	نساء	۶۰	تَرَى، يَزْعُمُونَ، أَنْزَلَ، يَرِيدُونَ، يَتَّخِذُوا، أَمْرًا أَنْ يَكْفُرُوا، يَضِلُّهُمْ
۱۱	مدنی	جمعه	۹	نُودِيَ، لِلصَّلَاةِ، فَاسْتَعْوَأَ، دَرُؤًا، تَعْلَمُونَ

از مجموع سخنان لغویان بدست می‌آید که اصلی‌ترین معنای ایمان تصدیق کردن است و اتخاذ این معنی به عنوان معنای اصلی بیشتر مقرون به صواب است اما این کلمه در معانی مربوط به این هم به کار رفته که عبارتند از: آرامش خاطر، از بین رفتن ترس، اظهار خضوع و قبول شریعت باور یقینی و قطعی، تسلیم توأم با اطمینان خاطر البته می‌توان گفت که آن معانی دیگر هم در راستای همین معنای اصلی هستند. همنشین‌های امن عبارتند از نزل، حق، کفر، علم، قول، ضلل.

۴-۱-۵ بررسی واژگان همنشین با واژه «هدی»

جدول ۵. بررسی واژه «هدی» در قرآن

ردیف	مکی/مدنی	سوره	آیه	همنشین
1	مدنی	بقره	۲	الْكَتَبُ، لِّلْمُتَّقِينَ
2	مدنی	بقره	۱۶	الضَّلَالَةَ، اسْتَرَوْا
3	مدنی	بقره	۳۸	يَأْتِيَنَّكُمْ، تَتَّبِعْ، خَوْفٌ، يَحْزَنُونَ
4	مدنی	بقره	۷۰	قَالُوا، يَبِينُ، تَشْبِهُ، شَاءَ
5	مدنی	بقره	۹۷	نَزَّلَهُ، مُصَدِّقًا، يُبَشِّرِ، لِّلْمُؤْمِنِينَ
6	مدنی	بقره	۱۲۰	تَتَّبِعْ، جَاءَكَ، الْعِلْمَ، وَلِي، نَصِيرٍ
7	مدنی	بقره	۱۵۹	يَكْتُمُونَ، أَنْزَلْنَا، الْكِتَابَ، يَلْعَنُهُمْ
8	مدنی	بقره	۱۷۰	قِيلَ، اتَّبِعُوا، أَنْزَلَ، الْفَقِيهَ، يَعْقِلُونَ
9	مدنی	بقره	۲۵۸	تَرَى، حَاجَّ، آتَيْتُهُ، قَالَ، يَحْيَى، يَمِيثٌ، كَفَرَ، الظَّالِمِينَ
10	مدنی	بقره	۲۶۴	ءَامَنُوا، يُبْطِلُوا، يَنْفِقُونَ، رِئَاءَ، أَصَابَهُ، يَقْدُرُونَ، الْكُفْرِينَ
11	مدنی	آل عمران	۲۰	حَاجُّوكَ، قُلْ، أَسْلَمْتُ، وَجْهِي، اتَّبِعْنِ، أَوْ تَوَّأ، الْكَتَابَ، تَوَلَّوْا، بَصِيرٌ، بِالْعِبَادِ
12	مدنی	آل عمران	۷۳	تُؤْمِنُوا، تَتَّبِعْ، قُلْ، يُوْتَى، يَحَاجُّوكُمْ، بِشَاءَ، عَلِيمٍ
13	مدنی	آل عمران	۱۰۱	تَكْفُرُونَ، تَتَّبِعِي، يَعْتَصِمُ، صِرَاطٍ، مُسْتَقِيمٍ
14	مدنی	نساء	۱۱۵	يَشَاقِقُ، تَتَّبِعِينَ، يُتَّبِعْ، نُؤَلِّهُ، نُصَلِّهِ
15	مدنی	مائده	۴۶	مُصَدِّقًا، آتَيْنَاهُ، نُورٌ، مَوْعِظَةً، لِّلْمُتَّقِينَ
16	مکی	انعام	۹۷	جَعَلَ، ظَلَمْتُ، فَصَلْنَا، يَعْلَمُونَ
17	مکی	اعراف	۱۴۸	يُرَوُّوا، يَكَلِّمُهُمْ، اتَّخَذُوهُ، ظَلَمِينَ

ریشه‌های دعاء و هدی، ۱۳ مرتبه در قرآن با یکدیگر همنشین شده‌اند. واژه «هدی» هم به صورت فعلی و هم به صورت اسمی در قرآن آمده است. حضور واژه‌های «قول، سمع، بصر، اجاب، افواه و اذن» حاکی از یک ارتباط کلامی به جهت درخواست و دعوت است. در این بین، تعدد استعمال واژه‌های «اسلام و تسلیم، اقام و استقام و صراط، سبیل و هدایت و ضلالت» از یک انتخاب مسیر که به خوشبختی و بدبختی منتهی می‌شود حکایت دارد. واژگان جعل و شاء به همراه خطاب خداوند با صفت رب در کنار واژگان «علم و فقه» نشان از اهمیت بسیار زیاد

دعاء و هدی و استفاده از فهم است. واژگان هم‌نشین با واژه «هدی» شامل «تبع، علم، بین، آتی، امن، کفر» هستند.

۴-۱-۶ بررسی واژگان هم‌نشین واژه «جعل»

در قرآن کریم ماده جعل ۳۴۶ بار در صیغه‌های مختلف به کار رفته است: ۶ بار به صورت اسم فاعل (جاعل)، ۲۳۵ بار به صورت فعل ماضی، ۸۳ بار به گونه فعل مضارع و ۲۲ بار هم به شکل فعل امر. از این موارد، آنچه به خداوند اسناد داده شده در محدوده این مقاله می‌گنجد.

دو ریشه جعل و دعاء در یازده آیه در کنار یکدیگر قرار دارند. تقدیم و تأخیر این دو ریشه در مواردی خاص حائز اهمیت است. زمانیکه بحث از دعوت الهی است، جعل الهی قبل از آن می‌آید و زمانیکه جعل به انسان ارتباط پیدا می‌کند، دعو متقدم می‌آید. خداوند نیز در این آیات هم به اسم الله و هم به صفت رب خوانده شده است.

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ فَأَعْرَضَ عَنْهَا وَنَسِيَ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ إِنَّا جَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آدَانِهِمْ وَقْرًا وَإِنْ تَدْعُهُمْ إِلَى الْهُدَى فَلَنْ يَهْتَدُوا إِذًا أَبَدًا (سوره الكهف،

(۵۷)

أَمَّنْ يَجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَأَلِهَ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ (سوره النمل، ۶۲)

هم‌نشینی مکرر قول با دو ریشه جعل و دعو حکایت از اشتراک معنایی در (خواستن) است. مَّا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِّن قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ وَمَا جَعَلَ أَرْوَجَكُمْ أَلِي تَظْهَرُونَ مِّنْهُنَّ أُمَّهَاتِكُمْ وَمَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ ذَلِكَ قَوْلُكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ وَاللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ وَهُوَ يَهْدِي السَّبِيلَ (سوره الأحزاب، ۴)

۴-۲ هم‌نشین‌های تقابلی واژه «دعاء»

۴-۲-۱ واژه «شرك»

ریشه‌های شرك و دعاء در قرآن، ۱۷ بار با یکدیگر هم‌نشین شده‌اند. شرك یک رابطه تقابلی با واژه دعاء دارد و این از حضور ریشه شرك در جمله منفی مقابل جمله مثبت با حضور واژه دعاء است.

فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفَلَكِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّيَهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ (سوره العنكبوت، ۶۵)

وَإِذَا مَسَّ النَّاسَ ضُرٌّ دَعَوْا رَبَّهُمْ مُنِيبِينَ إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا آدَأَقَهُمْ مِّنْهُ رَحْمَةً إِذَا فَرِيقٌ مِّنْهُمْ

بِرَبِّهِمْ يَشْرِكُونَ (سوره الروم، ۳۳)

فراخواندن خداوند در این آیات به دو صورت اسم خاص (الله) و صفت (رب) صورت گرفته و وجود ریشه قول به‌مراه اسم خاص الله به کرات در کنار ریشه‌های شرک و دعوی، نشان از یک ارتباط قوی و مهم دارد.

قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ (سوره یوسف، ۱۰۸)

قُلْ إِنَّمَا أَدْعُوا رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِهِ أَحَدًا (سوره الجن، ۲۰)

فراخواندن خداوند با صفات خالقیت و مالکیت زمین و آسمان در کنار دعوت به بینش (رای) و ریشه کفر نیز حاکی از احتیاج به خالقیت و مالکیت معبود، آن هم در زمین و آسمان که یعنی همه دنیاست و روی برگرداندن از این خالق و مالک در اجابت به کفر منجر می‌شود. (شرک در خالقیت و مالکیت)

قُلْ أَدْعُوا الَّذِينَ رَعَيْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ فِي السَّمٰوٰتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَمَا لَهُمْ فِيهِمَا مِنْ شَرِكٍ وَمَا لَهُمْ مِّنْهُمْ مِّنْ ظَهِيرٍ (سوره سبأ، ۲۲)

ذٰلِكُمْ بِاَنَّهُۥٓ اِذَا دُعِيَ اللّٰهُ وَحٰدَهُۥ كَفَرْتُمْ وَاِنْ يَشْرِكْ بِهٖ تُؤْمِنُوۡا فَالْحٰكِمُ اللّٰهُ الْعَلِيُّ الْكَبِيۡرُ

(سوره غافر، ۱۲)

وَقِيلَ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ فَدَعَوْهُم فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَرَأُوا الْعَذَابَ لَوْ اَنَّهُمْ كَانُوا يَهْتَدُونَ (سوره القصص، ۶۴)

همنشین‌های شرک شامل قول، کفر، آتی، عبد، ظلم، سب، نبأ، علو، هدی، شاء، حرم، وحد، تبع، زعم هستند.

۴-۲-۲ واژه «کفر»

دو ریشه کفر و دعوی در ده آیه با یکدیگر همراه‌اند. بدلیل تقابلی بودن این واژه و همچنین کفر که در مقابل عبد قرار دارد، می‌توان معنای مشترک عبد و دعوی را نتیجه گرفت. البته که حضور واژه ایمان، شرک، مخلص، آیات و علم در کنار کفر و دعوی بر همین معنا صحه می‌گذارند. در این آیات خداوند با اسم اعظمش (الله) خوانده شده که معمولاً دال بر آیات توحیدی و دوراهی ایمان و کفر است.

وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُۥٓ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُۥٓ عِنْدَ رَبِّهِۥٓ إِنَّهُۥٓ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ (سوره المؤمنون، ۱۱۷)

تکرار ریشه ضلل در این آیات پیش از کفر نشان از تقدم ضلالت بر کفران دارد. همنشین های کفر شامل امن، حی، شاء هستند.

۴-۲-۳. واژه «ضلل»

ریشه ضلل در کنار دعو در دوازده آیه به دو صورت فعلی و اسمی آمده است. حضور واژه های قال، موعظه، جدال، داعی و دعوت در این آیات از یک ارتباط و گفت و گو حکایت دارد که با وجود تکرار واژه های رسول، مبین، کفر و ضرر می توان از اهمیت بسیار زیاد این ارتباط آگاه شد.

لَهُ دَعْوَةُ الْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ لَهُمْ بِشَيْءٍ إِلَّا كَبُيْسُ كَفْبِهِ إِلَىٰ آلَمَاءٍ لِيَبْلُغَ فَاهُ وَمَا هُوَ بِبَلِّغَةٌ وَمَا دَعَاءُ الْكُفْرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ (سورة الرعد، ۱۴)
يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُهُمْ وَمَا لَا يَضُرُّهُ وَمَا لَا يَنْفَعُهُ ذَلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ (سورة الحج، ۱۲)

در این آیات، خدا را با اسم خاص او (الله) خوانده که این خود بر عظمت این آیات و هدف آن می افزاید.

مَنْ دُونِ اللَّهِ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا بَلْ لَمْ نَكُن نَدْعُوا مِنْ قَبْلُ شَيْئًا كَذَلِكَ يَضِلُّ اللَّهُ الْكُفْرِينَ (سورة غافر، ۷۴)

واژه سبیل نیز در کنار دعاء و ضلل از راهی مهم که پذیرش دعوت آن به هدایت و ضلالت منتهی می شود خبر می دهد.

أَدْعُ إِلَىٰ سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجِدْ لَهُم بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ (سورة النحل، ۱۲۵)

این ضلالت را انواعی است که به صورت ضلال مبین و ضلال بعید ذکر می شود. همچنین، تکرار ریشه جوب دال بر این موضوع است که عدم استجابت دعوی الهی برابر است با ضلالت و گمراهی

همنشین های ضلالت شامل سبیل، کفر، هدی، شاء، شری، افتری، تبع، بعید، مبین، رأی، کتاب، طوع، طغی، ظلم هستند.

۴-۲-۴. واژه «ضرر»

ریشه های ضرر و دعو مرتبه در قرآن کریم با یکدیگر همراه شده اند. تقدیم و تأخیر این دو واژه

به دو صورت تقدیم دعوی بر ضرر که به جهت توییخ پرستش گران غیر خدا و تقدیم ضرر بر دعوی به جهت شرح حال اکثریت مردم و جنس انسان در مواجهه با ضرر است.

يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُهُمْ وَمَا لَا يَضُرُّهُمْ وَ مَا لَا يَنْفَعُهُمْ ذَلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ (سوره الحج،

(۱۲)

أَمَّنْ يَجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَأَلِهَةٌ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ (سوره النمل، ۶۲)

در این آیات، خداوند بیشتر با اسم خاص خود یعنی الله خوانده شده است. همراهی ریشه قول نیز حکایت از ارتباط کلامی است. حضور فعل مس در کنار واژه‌های انسان، کشف، نفع و ضلالت بر قطعیت رسیدن ضرر و نفع به تمام انسان‌ها، قطعیت برطرف شدن ضرر از انسان‌ها و مهم بودن اقدام متقابل در برابر دفع ضرر است که می‌تواند به ضلالت منتهی شود، دلالت دارد. همنشین‌های ضرر شامل قول، مس، ملک، نفع، امن، شاه، باس، علم هستند.

۳-۴. همنشین‌های مکملی واژه «دعاء»

گفته شد که رابطه مکملی رابطه ای است که بر پایه ساختار نحوی ای که میان دو همنشین است شکل می‌گیرد. در ادامه به برخی از این همنشین‌ها اشاره شده است.

۳-۴-۱. واژه «الله»

در بررسی سیر تحول و تکامل واژه «الله» نکته قابل توجه آن که با ورود این واژه به نظام قرآنی، تغییری ژرف هم در معنا و هم در موقعیت آن پدید آمد. در نظام معنایی جاهلی که معتقد به خدایان متعدد بودند، تعبیری که از معنا و مفهوم الله می‌شد، بستگی به موضوع متن یا سخنی داشت که نویسنده یا گوینده بدان می‌پرداخت. لذا تصورات مختلف جاهلی به واژه الله لایه‌های معنایی متعددی بخشیده بود. اما در نظام معنایی قرآن، الله از آن حالت دو یا چند معنایی سابق خارج شد و تنها به معنای خدای یگانه و بی‌همتا محدود شد. به لحاظ موقعیت نیز الله از عضوی عادی بودن در نظام معنایی جاهلی به کانونی‌ترین کلمه در نظام جدید ترفیع پیدا کرد. به گونه‌ای که دعوت به بهشت از سوی خداوند (بقره/۲۲۱؛ یونس/۲۵) صریحا بیان می‌شود تا انحصار ارتباط انسان با خدای یگانه متصور شود؛ و در مقابل نیز خواندن جز خداوند از سوی پیامبر (ص) (انعام/۵۶) نهی الهی قلمداد شود؛ زیرا خواند غیر خداوند سودی به حال انسان ندارد (انعام/۷۱)؛ اعراف/۱۹۷) و در روز لحظه مرگ و یا قیامت، فریادرس نیستند (اعراف/۳۷)؛ خداوند را باید با

تمامی اسماء حسنی خوانند (اعراف/۱۸۰) همان گونه که حضرت آدم و حوا از آغاز خداوند را خوانند (اعراف/۱۸۹). بنابراین، خداوند کانون دعای انسان است، از یک سو دعوت خداوند از انسان به سوی بهترین هاست و همچنین دعای انسان به درگاه خداوند، نجات بخش است.

۴-۳-۲. واژه «رب»

واژه «رب» از ریشه «ر ب ب» از جمله واژه‌های دخیل در قرآن است (جفری، ۱۳۷۲، ص ۲۱۵) این واژه در قرآن علاوه بر معنای وضعی و اولیه به معنای دیگری نیز آمده است، همچنان که در کلام عرب نیز معانی دیگری علاوه بر مفهوم قرآنی دارد. واژه «رب» از ریشه «ر ب ب» از جمله واژه‌های دخیل است که احتمالاً از زبان آرامی و عبری وارد عربی شده است.

در تفسیر مقاتل، در تفسیر آیه ۷۸ سوره مبارکه انبیاء و در بحث از داوری حضرت داوود علیه السلام، عبارت «..فدخل رب الغنم علی داود...» (مقاتل، ۱۴۲۳، ج ۳، ص ۸۸) به نقل از مقاتل بن سلیمان، بیانگر این است که رب به معنای صاحب در زمان وی رایج بوده است. صاحب العین با عبارت «و من ملک شیئاً فهو ربّه» (خلیل بن احمد، ج ۸، ص ۲۵۷) معنای نزدیک به صاحب را به کار برده است. خواندن خداوند به خصوص آن جا که جلب نظر برای نعمت مادی و معنوی و طلب آموزش است، در آیات پر تکرار است؛ قرار گرفتن ربّ به عنوان مفعول دعا، از آن جهت که بیانگر رابطه عاطفی قوی است از سوی بنی اسرائیل خطاب به حضرت موسی در درخواست نعمت مطرح می‌شود (بقره/۶۱؛ نیز نک: بقره/۶۸، ۶۹، ۷۰، اعراف/۱۳۴) و خواند پروردگار با زاری و در نهان نیز توصیه می‌شود (اعراف/۵۵) و حتی خواندن الله به سبب وصف ربانیت تأکید شده است (اعراف/۱۸۹). بنابراین، دعا با توجه به ربانیت الهی الزام و ضرورت پیدا می‌کند و برآورده شدن دعا را نزدیک می‌کند.

۴-۳-۳. واژه «رسول»

این واژه از ماده «رسالت» است که در اصل به معنای «رهایی» به کاررفته است و این واژه را به صورت مطلق در مورد فرستادن به کار می‌برند. زراره می‌گوید: از امام باقر (ع) درباره (آیه ۵۴ سوره مریم) و (او) رسولی؛ پیامبر بود. پرسیدم فرمودند: پیغمبر کسی است که در خواب می‌بیند و آواز را می‌شنود و اما فرشته را به چشم در بیداری نبیند و رسول کسی است که آواز فرشته را بشنود و در خواب و بیداری فرشته را ببیند. (نک: کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۷۶) مصباح یزدی معتقد است، مفهوم «نبی» گسترده‌تر از مفهوم از «رسول» بوده و رسول تنها یکی از مصادیق نبی

می‌باشد. به این معنا که رسول آن کسی است که هم مبعوث است، و هم مأمور به تبلیغ رسالت، و اما نبی کسی است که تنها مبعوث باشد، چه مأمور به تبلیغ هم باشد و چه نباشد (مصباح یزدی، ۱۳۷۹، ص ۲۳۸)؛ در رابطه بندگان با خداوند درخواست استغفار برای بندگان توسط رسول (منافقون/۵) مطرح می‌شود همان گونه آیات قرآن توسط رسول ابلاغ و تلاوت می‌شود (حاقه/۴۰؛ بینه/۲)؛ این فرایند دو سویه نشان می‌دهد که در فرایند دعا رسول (و با تنقیح مناظ سایر معصومان) نقش واسطه دارد.

۴-۳-۴. واژه «انسان»

انسان در ارتباط با خدا، از یک طرف عظمت معبود و از طرف دیگر پستی، ذلت و فقر خود را می‌یابد، بنابراین دلش در برابر خدا نرم شده، احساس فروتنی و کوچکی می‌کند. بنابر این، می‌توان گفت آن مؤلفه معنایی که واژه تضرع را از سایر واژه‌های میدان معنایی دعاء متمایز می‌کند «نرمی و ملایمت» است.

در آیه‌ای که مشکلات و سختی‌ها را عاملی برای نرم شدن دل انسان و روی آوردن به خدا معرفی می‌کند، تضرع، جانشین دعاء شده است:

وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَضُرَّعُونَ (اعراف/ ۹۴).

در آیه‌ای دیگر، تضرع به عنوان جانشین دعاء، با استکانت که به معنای خضوع می‌باشد، هم‌نشین شده است:

وَلَقَدْ أَخَذْنَاهُم بِالْعَذَابِ فَمَا اسْتَكَانُوا لِرَبِّهِمْ وَمَا يَتَضَرَّعُونَ (مؤمنون / ۷۶).

بنابراین، می‌توان گفت که «تضرع» از لوازم دعاء به شمار می‌آید؛ زیرا تا انسان به حالت نرم دلی نرسد، طالب و داعی حقیقی نخواهد بود. آیه‌ای دیگر اشاره می‌کند که کفار به خاطر قساوت قلب، نمی‌توانند از این فرصت استفاده کنند و در نتیجه به درگاه خدا تضرع ندارند:

فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَلَكِنْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (انعام/ ۴۳).

به هر حال، آنچه از آیات قرآن بر می‌آید این است که خدا دعاء را مستجاب می‌کند؛ چه به زبان حال باشد و چه به زبان قال: وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ (غافر/ ۶۰)؛ وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ

دَعْوَةَ ٱلَّذِى إِذَا دَعَانِ فَلَيْسَ يُجِيبُوهُ لِىَ وَلِىُّوْاْ لِمَا بِيْ أَعْلَمُهُمْ يَرْشُدُوْنَ (بقره/ ۱۸۶)

از این رو، دلیل عدم استجابت برخی از دعاهای در اینجا آشکار می‌شود. نکته دیگر آنکه استجابت، هم مربوط به خدا و هم مربوط به مخلوقات است و هر دعایی استجابت مخصوص به خود را دارد.

۵. معناشناسی «دعاء» با رابطهٔ جانیشینی

واژگان جانشین دعاء که از پرتکرارترین هم‌نشین‌های واژگان هم‌نشین دعاء به دست آمده‌اند، بدین شرح می‌باشند: قول، امن، تبع، هدی، علم، آتی، کفر، شاء. با توجه به این که واژه‌های امن، هدی، آتی و کفر در بررسی و تحلیل شد، تنها واژه‌های قول، تبع، علم و شاء بررسی و تحلیل می‌شوند.

۱-۱. واژهٔ «قول»

دو واژهٔ «قول و دعوا» ۲۸ بار در قرآن کریم با یکدیگر هم‌نشین شده‌اند. اشتراک معنایی خواندن در این دو ریشه وجود دارد. در این آیات، خداوند با اسم خاص خود (الله) و صفت رب خوانده شده است. بدلیل قرابت معنایی قول و دعوا، واژه‌های هم‌نشین قول نیز مانند دعوا است. «قول» کلام با ترتیب است و منظور هر کلامی است که زبان بدان گویا شود. جمع «قول»، «اقوال» و «اقاویل» جمع الجمع آن است. «تقول» نیز به معنای بدعت دروغین است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۵۷۳). «قول» در معنای حکم نیز به کار می‌رود و نیز از راه مجاز و اتساع معنا در بسیاری از افعال دیگر استعمال می‌شود. به عنوان مثال هنگام اشاره گفته می‌شود: «قال برأسه» و هنگام راه رفتن: «قال برجله» (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۴۵۶). آثار «قول» در قرآن، گستره وسیعی از «اقوال» در قرآن کریم اختصاص به اعتقادات دارد. علاوه بر آن خداوند متعال به بیان گفتارهای پسندیده و ناپسند گروه‌های مختلف مردم پرداخته و با بیان آثار مترتب بر هر یک از این گفتارها، آن‌ها را ارزش گذاری می‌نماید. این سخنان علاوه بر گفتارهای روزمره آدمیان، برخوردهای آنان با مسائل مختلف اجتماعی را نیز در بر می‌گیرد

۲-۲. واژهٔ «علم»

این واژه در تقابل با واژه‌هایی از قبیل «ظن، غفله، عمه، هوی، ضال و سفهاء» بارها در قرآن آمده است. در برخی از آیات «ظن» به معنای احتمال و تصور قوی در مقابل علم به کار رفته است (قرشی، ۱۳۹۱: ۱۰۲). این معنا از «ظن» را می‌توان در آیات ۴۶ بقره، ۲۶۹ بقره و ۲۸ قیامت مشاهده

کرد (اصفهانی، ۱۳۹۲: ۷۸). «ظن و گمان» در صورتی که به یقین تبدیل شود، به علم منتهی خواهد (اصفهانی، ۱۳۹۲: ۵۲). این معنا از علم را می‌توان در آیه ۲۸ سوره نجم نیز دریافت که صاحبان ظن را کسانی دانسته که یقین و اطمینان ندارند (قرشی، ۱۳۹۱، ص ۸۰). واژه دیگری که در تقابل با واژه «علم» در قرآن به کار رفته، واژه «ضال» است. این واژه به معنای «گمراهی و منحرف شدن» از حق آمده است (قرشی، ۱۳۹۱: ۴۳). واژه «ضل» از مصدر «ضلالت» به معنای از راه راست و صراط مستقیم دور شدن است (اصفهانی، ۱۳۹۲: ۷۸).

با توجه به واژه‌هایی که در تقابل علم قرار گرفته‌اند، می‌توان گفت این واژه در قرآن از دایره معنایی وسیعی برخوردار است که در یک طرف آن صاحبان و دارندگان علم قرار دارند که با درک و شناخت درست به یقین و اطمینان قلبی دست می‌یابند و با هدایت و روشنگری در مسیر حقیقت قرار می‌گیرند. در طرف دیگر نیز افرادی هستند که معرفت و شناختی به حقیقت ندارند و با ظن و تردید و جهالت، گرفتار سرگردانی و گمراهی می‌شوند. در دایره واژگانی قرآن در مقابل علم، واژه‌هایی قرار گرفته‌اند که نه تنها انسان را در مسیر شناخت یاری نمی‌کنند، بلکه مانع جدی آگاهی و شناخت انسان می‌شوند. آن‌ها عبارت بودند از ظن، غفلت، سفه و عمه که انسان را در دنیا، جهان مادی و وجود جسمانی محصور می‌کنند و امکان غور و اندیشه در ابعاد معرفتی را از او می‌گیرند. هر انسانی به درجه کوشش و تلاشی که برای درک حقیقت انجام می‌دهد، می‌تواند در این دو مسیر گام بردارد. یا با کوشش و استفاده صحیح از ادراک خود به سوی نور و آگاهی حرکت کند، یا با سطحی نگری و توقف در ظواهر دنیا از دستیابی به حقیقت بازماند.

۳-۵. واژه «تبع»

واژه «تبعیت» در قرآن کریم ۱۷۴ بار به شکل‌های مختلف به کار رفته که برخی از آن‌ها از نوع «ممدوح» و بعضی دیگر از نوع «مذموم» است. شناسایی «تبعیت ممدوح» از دیدگاه قرآن از قرائنی همچون امر به آن و توصیفات و پیامدهای مثبت آن حاصل می‌شود. «مذموم بودن تبعیت» را نیز از قرائنی مانند نهی از آن و توصیفات و پیامدهای منفی آن می‌توان دریافت.

قرآن کریم در آیات بسیاری لزوم تبعیت از رسولان الهی را بیان نموده و انسان‌ها را به تبعیت از آنان امر فرموده است؛ از جمله آن‌ها در سوره اعراف آیه ۱۵۸ آمده است:

«پس ایمان آورید به خدا و رسولش که به خدا و کلماتش ایمان دارد و از او تبعیت نمایید، امید

است هدایت شوید».

در برخی دیگر از آیات، این موضوع را با نوعی «تمجید و ستایش» از تبعیت کنندگان از رسولان خدا و یا ملاطفت و مهربانی با آنان نشان داده است؛ چنان که یک جا در مقام «دلجویی و تسکین قلب» پیامبر در مقابل «آزار و اذیت» و نیز «عصیان و سرکشی» دشمنان، به آن حضرت خطاب شده است:

ای پیامبر! خدا و مؤمنانی که از تو تبعیت می کنند، برای تو کافی می باشند (انفال: ۶۴)
در این آیه، عبارت «مؤمنانی که از تو تبعیت می کنند» به کلمه «خدا» عطف شده است؛ یعنی مؤمنان تبعیت کننده از تو برای تو کفایت می کنند. (سید عبدالله شبر، ۱۴۰۷: ۶۳)

۵-۴. واژه «شیء»

«شیء» در معنای دقیق آن، یک موضوع، یک رابطه و یا یک عمل و حکم است. از این رو، همه اتفاق‌هایی که در جهان رخ می دهد، اعم از وجود یک موضوع در جهان خارج (انسان، زمین و آسمان، درخت)، روابطی میان پدیده‌ها (دوستی، ازدواج و طلاق، ایمان و کفر) شکل می گیرد و اعمال و کارهایی نماز خواندن، روزه گرفتن، جهاد کردن، هدایت کردن و گمراه شدن) که انجام می شود و دستورات و احکامی که اجرا و انجام یا عدم جواز و اجرای اموری را در اولویت قرار می دهد و خط مشی و استراتژیهای معینی را ترسیم می کند، در دایره معنایی شیء و مشیت قرار می گیرد. شیء یک نوع آشکارشدگی و بروز و ظهور را در معنای خود دارد. شیء هر چیزی که میل به بروز دارد و تمایل به وجود پیدا کردن و آشکار شدن در آن موج می زند. التحقیق ذیل ماده شیء آورده است که: «ان الأصل فی هذه المادة: هو تمایل یصل إلی حد الطلب در توضیح می گوید که شیء در اصل مصدر است و بر هر چیزی که طلبیده می شود قابل اطلاع است.

مشیت الهی تمام جوانب عزت و ذلت، صلاح و فساد، رشد و تباهی اشیاء را در نظر می گیرد، اما اراده الهی در ناحیه خیر متمرکز است. هر چند همه چیز علاوه بر جانب خیر جنبه تباهی و نابودی دارد، اراده الهی به آن تعلق نمی گیرد. مشیت الهی، مسیر شدن را برای اشیاء فراهم کرده است و این امکان طبیعی را به وجود آورده است که در این مسیر، اگر ارادهای و اختیاری وارد شود، آن چیز بروز و ظهور پیدا می کند و این چنین در جادهای که مشیت آن را آماده کرده است و اذن ورود و عبور از آن داده شده است. دستور کاری پیدا می کند و به نتیجهای که

موردنظر است نائل می‌گردد.

۶. نتیجه‌گیری

در انجام این پژوهش، نتایج زیر حاصل شد:

۱. همنشین‌های اشتدادی واژه دعاء و مشتقاتش در قرآن: آتی، سمع، خوب، امن، هدی، جعل، سلم و قوم

۲. همنشین‌های تقابلی آن: شرک، کفر، ضلل و ضرر.

۳. همنشین‌های مکملی آن: الله، رب، رسول و انسان. و در ادامه با بررسی همنشین‌های واژگان همنشین دعاء، جانشین‌های زیر برای آن بدست آمد: قول، علم، تبع، امن، هدی، کفر، آتی و شاء. در پایان از بررسی همنشین‌های واژگان جانشین واژه دعاء همچین، مؤلفه‌های معنایی‌ای که برای واژه «دعاء» به دست آمد، عبارتند از: «قول، امن، علم، هدایت، اتیان، کفر، فضل، سمع، نزول، تبعیت، صدق و قوم».

«قول» بیانگر کلامی بودن «دعاء» و طرح سخن است. این حکایت از آن دارد که «دعاء» پناهی است که از ایمان و اعتقاد سرچشمه می‌گیرد. علم نشان می‌دهد که در «دعاء» شناخت داعی از مدعو و بالعکس مهم است چه در مرحله پذیرش و درخواست دعاء و چه در اجابت آن باشد. در دعاء، هدایت از مؤلفه‌های آن است که نشان از جنبه راهنمابودن دعا و هدایت‌گری آن دارد که هم داعی باید در دعاء به آن توجه نماید و هم مدعو در اجابت آن. اتیان انتظاری است که داعی از مدعو و بالعکس دارد. داعی انتظار دارد تا پس از دعا اجابتی و روی آوردنی صورت گیرد و مدعو نیز شکر و سپاس و تمایلی. کفر از مؤلفه‌های تقابلی دعاست که اشاره به این آیه دارد که «ما دعاء الکافرین الا فی ضلال». فضل نیز نشان از بخشندگی مدعو به داعی و بالعکس دارد. «مشیت» نشان می‌دهد که خواست مدعو و داعی در اجابت دعا مؤثر است. سمع از ویژگی‌های مؤثر در دعاست که باید مدعو سمیع باشد. تبعیت یعنی پیروی کردن و این بدان معناست که داعی باید در جلب رضایت مدعو تلاش کند. همان‌گونه که در قوس نزول رسول نقش آفرینی دارد، در قوس صعود نیز رسول واسطه است. بنابراین، در فرایند دعا نقش واسطه‌گری رسول (و سایر معصومان) حائز اهمیت است.

منابع فارسی

- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۰ ق). *لسان العرب*، بیروت: دار الفکر
- اصفهانى، سيد ابوالحسن (۱۳۹۱). *وسيله النجاه*، مع حواشى الگلپایگانی. مشهد: آستان قدس رضوى
- بهشتى، سعید (۱۳۹۰). «نقش دعاء در تربیت انسان از دیدگاه قرآن و کلام معصومین» *عقل و دین*، شماره ۱، ۵۹-۲۹
- بی یرویش، مانفرد (۱۳۷۴). *زبان‌شناسی جدید*. ترجمه محمدرضا باطنی، ج چهارم، تهران: انتشارات آگاه
- پرچم، اعظم، مستانه ابوترابیان (۱۳۹۱). «توسعه معنای دعا در قرآن». *آموزه‌های قرآنی*. ۹ (۱۵): ۴۷-۷۲
- جفری، آرتور (۱۳۷۲). *واژه‌های دخیل در قرآن*، ترجمه فریدون بدره‌ای، [بی جا]: انتشارات توس.
- رفیعی، علی و حسن عبدالهی (۱۳۹۳). «معناشناسی واژه جهل در قرآن کریم». *مطالعات قرآنی*، ۵ (۲۰): ۱۴۹-۱۲۹.
- سالارزایی، امیر حمزه (۱۳۹۱). «بررسی دعاء از منظر کلام خدا». *پژوهشنامه معارف قرآنی*، ۳ (۱۰): ۷۹-۹۶
- سید عبدالله شبّر (۱۴۰۷ ق). *الجواهر الثمین فی تفسیر الکتب المبین*. ج ۳: الفین
- شعیری، حمید رضا (۱۳۸۸). *مبانی معنی‌شناسی نوین*. تهران: انتشارات سمت
- صفوی، کورش (۱۳۸۷). *درآمدی بر معنی‌شناسی*. چاپ سوم، تهران: نشر سوره مهر
- صفوی، کورش (۱۳۹۵). *درآمدی بر معنی‌شناسی*. تهران: نشر سوره مهر
- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵ ش)، *مجمع البحرین*، چاپ سوم، تهران: کتابفروشی مرتضوی
- قرشی، سید علی اکبر (۱۳۹۱). *قاموس قرآن*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق). *کافی*، تحقیق علی اکبر و محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الإسلامیه
- محسن پور، ریحانه و سیده فاطمه حسینی (۱۳۹۷). «بررسی تأثیر دعاء و نیایش در زندگی انسان از نظر آیات و روایات». *قرآنی کوثر* - شماره ۶۱: ۱۴۱-۱۲۵.

- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۷۹). آموزش عقائد. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی
- مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳). تفسیر، تحقیق عبدالله محمود شحاته. بیروت: نشر دار احیاء التراث
- مکارم شیرازی ناصر (۱۳۷۵). پیام امام امیرالمؤمنین (علیه السلام). تهران: نشر دارالکتب الاسلامیه
- مکارم شیرازی ناصر (۱۳۷۸). مثال‌های زیبایی قرآن (امثال القرآن). قم: نشر نسل جوان
- مکارم شیرازی ناصر (۱۳۸۴). وهابیت بر سر دو راهی. قم: انتشارات مدرسه الامام علی بن ابی-طالب (ع).
- مکارم شیرازی ناصر (۱۳۹۰). انوار هدایت: مجموعه مباحث اخلاقی مکارم شیرازی، قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب (ع)
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۴). پیدایش مذاهب. قم: انتشارات مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)

